

سفرنامه میکله ممبره

○ محسن جعفری مذهب

Michele Membre Mission to The Lord Sophy of Persia (1539-1542) Tr. with Int and Notes by A.H. Morton, London: School of oriental and African Studies, University of London, 1993

- گزارش ماموریت به دربار ایران ۱۵۳۹-۱۵۴۲ م / ۹۴۶-۹۴۹ هـ.
- ترجمه، مقدمه و یادداشت‌ها از ای.اچ. مورتون
- ناشر: مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، ۱۹۹۳.

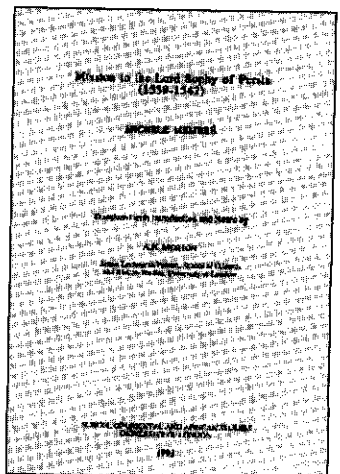
چندان موفق نبود. نباید از یاد برد که ممبره بیشتر پیام رسان بود تا سفیر. شاه‌طهماسب تمایل چندانی به بستن قرارداد بر ضد عثمانی نداشت و با قرارداد صلح منعقد در سال ۱۵۴۰م/۹۴۷ هـ. بین عثمانی و ونیز، اتحاد ایران و ونیز علیه عثمانی معنی نداشت و ممبره نیز از شنیدن این خبر بهت زده شد. او پس از بازگشت در نامه‌های خود به سنای ونیز به این نامروتنی اشاره کرده است. با این حال در بازگشت به ونیز به خوبی از او استقبال شد. در سال ۱۵۵۰م/۹۵۷ هـ. ممبره راموزیو را در گردآوری گنجینه بزرگش درباره گزارش‌های دریانوردان ایتالیایی یاری رساند. ممبره سعی کرد مجموعه‌ای از نقشه‌های به دست آمده در سفرش از جمله «نقشه حاجی احمد» را که در بازار عثمانی خریده بود، منتشر کند ولی به دلیل سانسور دولت ونیز آن کار منتشر نشد.

گزارش سفارت میکله ممبره به ایران، به دست یک بازرگان ناشناس ایتالیایی (ژان اوپن می‌گوید که او همان فرانچسکو رومانو می‌باشد) نوشته شده است.

ممبره، گزارش خود را به سنای ونیز ارائه داد. متن موجود تنها نسخه گزارش است که با چند خط نوشته شده و در بخشی از آرشیو ونیز قرار داشت که به اتریش برده شد. زمانی که گولیمو پرشه در سال ۱۸۶۵ تحقیق گسترده خود درباره روابط ایران و ونیز را منتشر می‌کرد از این گزارش بی‌خبر بود. یک سال بعد، یعنی در ۱۸۶۶م. این اسناد به آرشیو دولتی ونیز که این زمان بخشی از کشور ایتالیایی متحد شده بود بازگردانده شد.

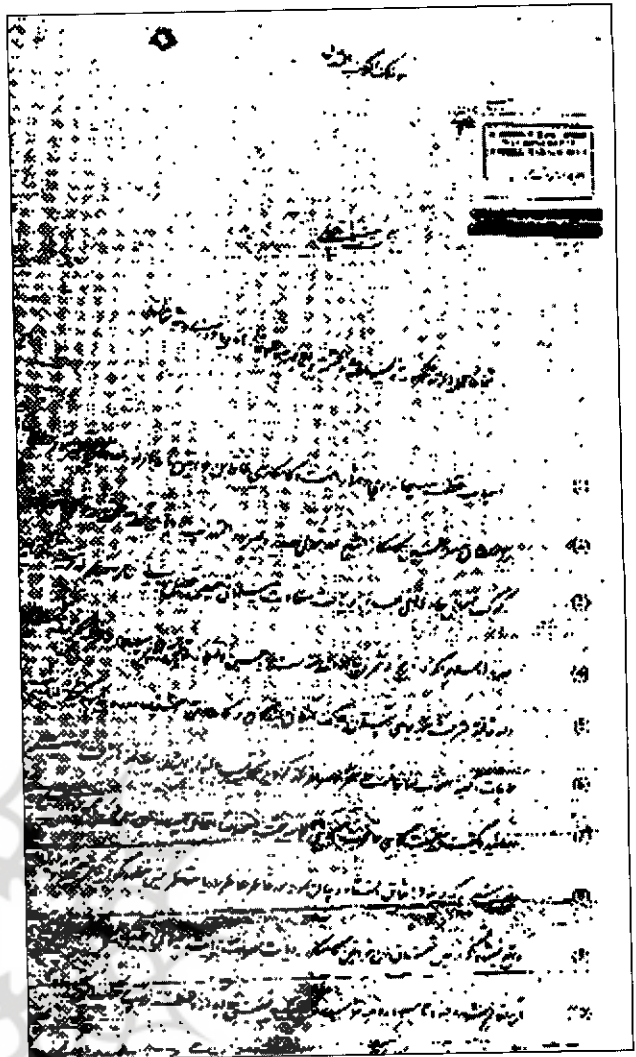
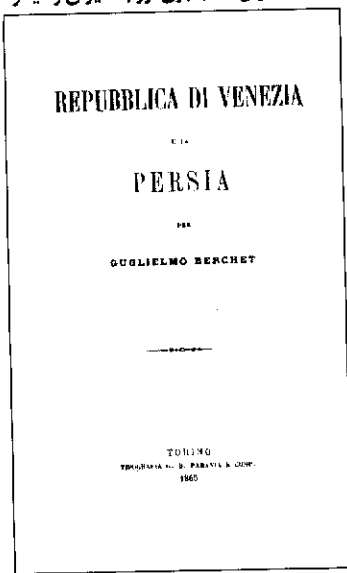
میکله ممبره (۱۵۹۰-۱۵۹۵ م / ۹۱۵ - ۱۰۰۳ هـ.) از خانواده‌ای بازرگان ونیزی و ساکن قبرس بود و برخلاف آنچه شاه طهماسب در نامه‌اش به دوژ ونیز او را «سالانه الامراء العظام» می‌نامد، اصلاً اشراف‌زاده نبود. پس از تصرف بندر کورفو به دست عثمانیان در سال ۱۵۳۷م/۹۴۴ هـ. دولت ونیز که نگران تجارتش در مدیترانه شرقی بود، تصمیم به هم پیمانی با دشمن سنتی عثمانیان یعنی صفویان گرفت اما به منظور جستجو برای

یافتن نماینده‌ای شایسته و بعضی مسائل دیگر این سفر به تعویق افتاد. ممبره تا اوایل سال ۱۵۳۹م/۹۴۶ هـ. نتوانست حرکت کند. در شایستگی ممبره تردید نبود. او به زبان یونانی و ترکی تسلط داشت و کمی عربی و شاید فارسی هم می‌دانست (در گزارش به هیچ کلمه فارسی اشاره نشده است) از گزارش او، توانایی‌اش در یافتن دوستانی در دربار صفوی و جسارت او در استفاده از اسامی و لباس‌های گوناگون در شرایط مختلف به دست می‌آید. البته ماموریت او





مهر شاه سلیمان صفوی



کتاب از راهنمایی پروفیسور آنجلو میکله پیه مونتسه بهره برده است. مورتون پس از مقدمه‌های بیست صفحه‌ای که در آن به شرح احوال میکله ممبره، ظهور صفویه و جنگ‌هایش با صفویه و شرح مختصر گزارش پرداخته، پس از آن متن گزارش را که در اصل فصل‌بندی ندارد به ۸ فصل تقسیم کرده است:

- ۱- دریافت ماموریت به ایران، از قبرس به ترکیه.
 - ۲- آناتولی، کریمه، گرجستان.
 - ۳- ایران، اردوی شاهی، دربار شاه طهماسب. رسیدن به خدمت شاه.
 - ۴- زندگی در اردو. مراغه. بازگشت به تبریز.
 - ۵- تبریز. رسوم ایرانی و وقایع جاری.
 - ۶- مشاهدات بیشتر در دربار، زندگی در تبریز و وقایع جاری.
 - ۷- ناکامی هیئت، سفر به هرمز.
 - ۸- خرابی در شهر تبریز. به سوی هند. شرح هرمز. هند و سفر پرتغال. مورتون، گزارش ممبره را از نمونه‌های خوب سفرنامه‌های ونیزی *Relazione* می‌شمارد که ارزش فراوان دارد، اما بی نظم است. این اثر تنها اثری است که به وضعیت شهر تبریز در سده شانزدهم میلادی / دهم هجری می‌پردازد. باید افزوده شود که تاریخ‌های داده شده در متن گزارش به سال ونیزی *more veneto* است که آغاز آن در ماه مارس است، نه ابتدای ماه ژانویه^۱.
- در پایان این مقاله، متن دو نامه شاه طهماسب به دوژ ونیز جهت استفاده پژوهشگران آورده می‌شود. هر دو نامه در آرشید دولتی ونیز موجود است. نامه نخست که پس از دوم ربیع‌الاول ۱۰۹۳/۲۱ ژوئیه ۱۵۳۹ نگاشته شد از دعوت اتحاد دوژ ونیز بر علیه عثمانیان حمایت شده است. نامه دوم پس از آن نوشته شده که خبر اتحاد ونیز و عثمانی به شاه طهماسب رسیده و او را عصبانی کرده است. هیچ کدام از دو نامه، تاریخ‌گذاری ندارد. ترجمه ایتالیایی نامه دوم، نخست در سال ۱۹۱۰ توسط بونلی Bonelli منتشر شد. جیان روبرتو اسکارجیا در سال ۱۹۶۸ عکس، ترجمه ایتالیایی و آوانویسی فارسی نامه اول را منتشر کرد. در سال ۱۹۶۹ آوانویسی فارسی دو نامه در چاپ ایتالیایی گزارش ممبره به چاپ رسید. و سرانجام عکس متن فارسی تایپ شده و ترجمه آلمانی آن در کتاب فکته^۲ منتشر شد. در چاپ حاضر که با ترجمه انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و تصحیح فکته تطبیق و بعضی اشتباه‌های آنان رفع شده است عکس‌ها جهت استفاده بیشتر ارائه گردیده است.

دست نویس گزارش به لهجه ونیزی است و به کوشش جیورجیو کاردونا برای چاپ آماده شد. فرانچسکو کاسترو، متنی به گزارش افزود که همزمان با گزارش تهیه شده بود. پیوست‌های ۷گانه عبارتند از:

- سفرنامه کالیکوت نوشته جیوانی ونیزیانو در سال ۱۵۲۹/۴م ۹۳۵هـ.
- شرح شکست سنگین ترکها از ایرانیان
- سر فصل‌های قرارداد هشتم فوریه ۱۵۲۸/۸م ۹۴۴هـ. بین پاپ و دوک ونیز.
- زندگی شاه اسماعیل صفوی بزرگ که برای تئودور پاتریارک قسطنطنیه نوشته شده است.
- نامه‌ای از فرانچسکو بایول که از شهر آندرونوپولی به تاریخ ۱۰ اوت ۱۵۳۸/۱۴ ربیع‌الاول ۹۴۵ نوشته شده و حاوی نکات مهمی از جمله پیمان صوفی [شاه طهماسب] و ازبکها بر ضدترکهاست.
- دو نامه از شاه طهماسب در سال ۹۴۶هـ. برای دوژ ونیز

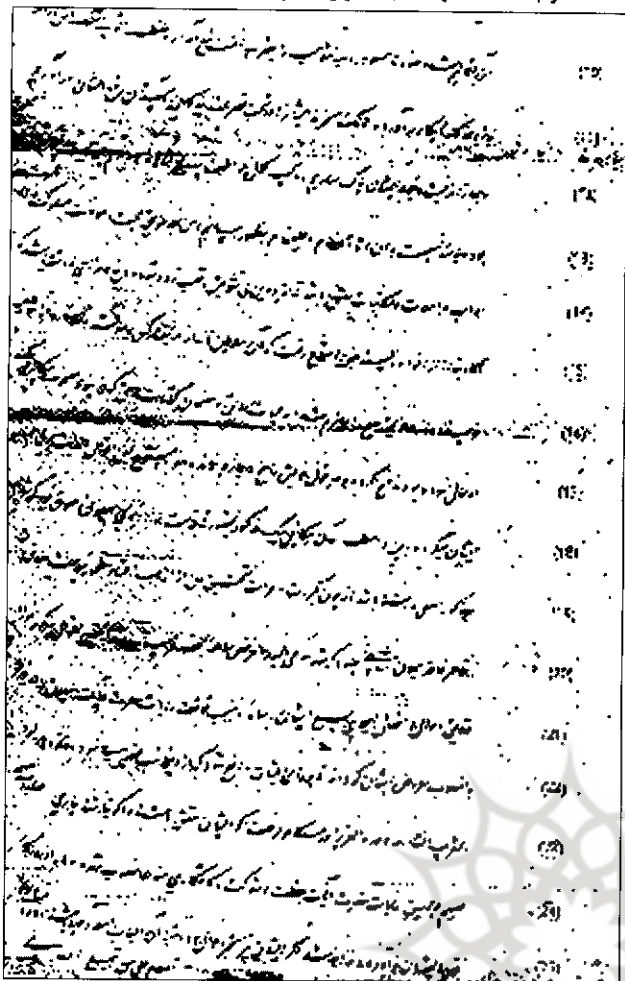
به دلیل وجود اصطلاحات تاریخی عربی، فارسی و ترکی در گزارش ممبره و پیوست‌ها، آنجلو میکله پیه مونتسه، اصطلاحنامه‌ای بدان افزوده است و سرانجام با مقدمه ۷۰ صفحه‌ای جیان روبرتو اسکارجیا، این کتاب در سال ۱۹۶۹ به کوشش انستیتو مطالعات شرقی در شهر ناپل به چاپ رسید.^۱ از آن جا که متن ونیزی گزارش بسیار معلق و ثقیل بود، ای.اچ مورتون تمام متن سفرنامه را به علاوه پیوست هفتم متن ایتالیایی، یعنی دو نامه شاه طهماسب به دوژ ونیز را به انگلیسی ترجمه کرد (در این ترجمه پیوست‌های اول تا ششم نیامده است) همچنین اصطلاحنامه متن ایتالیایی را به انگلیسی برگرداند و بعضی مطالب بدان افزود. وی در تمام مراحل تصحیح و ترجمه

پس از تصرف بندر کورفو، به دست عثمانیان
در سال ۱۵۳۷م/ ۹۴۴ هـ. دولت ونیز که
نگران تجارتش در مدیترانه شرقی بود،
تصمیم به هم پیمانی با دشمن سنتی عثمانیان، یعنی
صفویان گرفت

«میکله ممبره» تا اوایل سال ۱۵۳۹م/ ۹۴۶ هـ.
نتوانست حرکت کند. در شایستگی ممبره تردید نبود.
او به زبان یونانی و ترکی تسلط داشت و کمی عربی
و شاید فارسی هم می دانست
(در گزارش به هیچ کلمه فارسی اشاره نشده است)

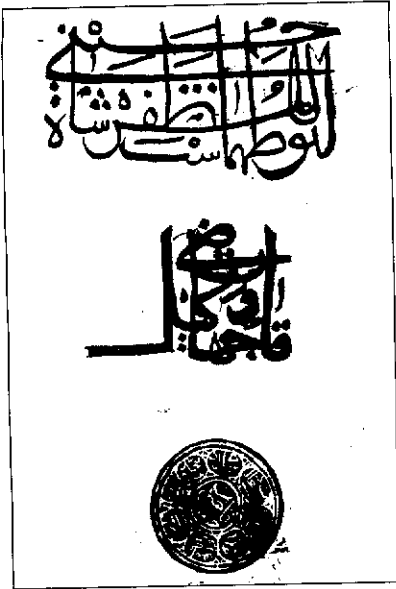
هو الله سبحانه

- ۱- اسباب عظمت و جهانداری و آثار ابهت و کامکاری عالیحضرت بانی مبنای العداله و الاحسان
- ۲- ناشر مناهج الامن والامن، قانع قواعد الظلم و الستم قاطع براهین الباطل بین الامم
- خاقان خواقین نامدار [شجاعاً للظلمه و السلطنه و الشوکه و المعدله و الحکومه و الابيه و النصفه و العز و الاجلال اندريا کریتا دوزی و نونو] نورالله تعالی قلبکم
- ۳- بنور الایمان و سلطان سلاطین کامکار اشرح الله صدرکم بسرور التهذیب الادیان لحظه فلحظه در توالی و تصاعد یاد.
- ۴- و کوکب اقبال جاودانی و اختر اجلال دوجاهانی بعد از قبول مسلمانی بقبض فضل ربانی ساعه فساعه در ترقی و تزیید
- ۵- بعد هذا معروض رای عقده گشا آنکه در تاریخ شهر ربیع الاول سنه ست و اربعین و تسعمائه در حوالی مرند من اعمال دارالسلطنه تبریز
- ۶- که مغیم سراققات عظمت و جلال و مضرب خیام سلطنت و اجلال نواب کامیاب اعلی [همایون شاهی خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه] بود جناب دولت آثار
- ۷- سلاله الامراء العظام میکائیل بیک دام توفیقه را قافله سالار هدایت رهنمایی کرده بشرف عتبه بوسی آستان ملائکک آشیان
- ۸- بندگان درگاه عرش اشتباه سدره پناه که قبله ارباب حاجات و کعبه اصحاب مناجاست مفتخر و سرافراز کشته مکاتب دلتواز خدام
- ۹- ذوی الاحترام بمطالعه اشرف اعلی رساند و نواب کامیاب اعلی بعد از مطالعه و ملاحظه استفسار اخبار و احوال آنجایی از
- ۱۰- مشارالیه نموده تحقیقات فرمودند و مومی الیه در مجلس بهشت ائین بطریقی که شیوه اصحاب فصاحت و شیمه ارباب بلاغت و فراست است
- ۱۱- کیفیت حالات کماهی بیان می نمود و نواب اعلیحضرت خاقانی را از اداهای فرح آمیز و کلمات سرور انگیز مشارالیه خاطرانور
- ۱۲- ورای جهان آرای منور لحظه فلحظه منبسط و مسرور می گردید چنانچه از محل طلوع خورشید تا وقت غروب متوجه افادات غریبه و عبارات عجیبه او
- ۱۳- از استخبار مجاری احوال آنجایی و سیما اتفاق حسنه سلاطین نامدار و خواقین کامکار آن دیار که تا غایت اتفاق نیفتاده بود می بودند و آن چه از
- ۱۴- صورت حالات بر مرآت ضمیر خورشید تنویر بندگان نواب کامیاب همایون سمت ارتسام می یافت بنفس نفیس خود تقریر میران گیتی گشای فلک سریر



- ۱۵- و برادران ملک آرای کشورگیر و امرای خورشید لوای صاحب تدبیر و صدور منشرح الصدر روشن ضمیر و وزیر عالی قدر عطارذ نظیر و نواب
- ۱۶- سزایرده عزت و حجاب ابواب خلود و حشمت و سایر ارکان دولت فلک انتظام و باقی اعیان سلطنت ابداحتشام تقریر می فرمودند و بلفظ گهربار
- ۱۷- درر سار بیان می نمودند که درینوقت که این چهار پادشاه نامدار متفق شده باشد وقت آن است که رایات نصرت آیات همایون ما نیز با عساکر
- ۱۸- منصوره متوجه آن اقالیم شده جنود نامسعود رومیه شومیه بد مذهب را بضرط قهقهه تیغ ابدار و طنطنه توپ و تفنگک آتشبار دمار
- ۱۹- از روزگار نابکار برآورده ممالک مسخره ایشان را در تحت تصرف بندگان آستان رفیع الشان در آوریم و جهان را از خبث وجود ایشان پاک سازیم
- ۲۰- و آن چه کمال عواطف بیدریغ شاهانه و مراحم بینهایت پادشاهانه بوده باشد نسبت بدان ولاه عظام اعلیمقام
- ۲۱- بظهور رسانیم و طریقه محبت و مودت مسلوک بوده ابواب مکاتبات و مراسلات مفتوح باشد تا مترددین بی تشویش و تعبی تردد
- ۲۲- نموده مانع و مزاحمت نداشته باشند. و بعد از بیان این معنی که نواب کامیاب اعلی را اطلاع تمام بر پریشانیها و سرگردانیها و تعب راه ممالک روم
- ۲۲- و غیرذلک که میکائیل بیک مذکور را دست داده بود از جلادت و مردانگی و یکجهتی و فرزانیگی او تعجب بسیار فرموده انواع شفقت و عنایت درباره او فرمودند
- ۲۴- و مکرراً بخلعت های فاخر پادشاهانه مفتخر و سرافراز گردانیدند و در مراجعت او به پایه سریر خلافت مصیر مبالغه فرمودند اگر ایشان نیز در قلع و قمع بنیان
- ۲۵- مخالفان دین و دولت روی نماید یقین است که مقاصد و مطالب بر حسب مرام خواهد بود
- ظلال حشمت و اقبال بر مفارق عالمیان می باشد و هی المراد.

کتابخانه و اسناد / اسناد و اسناد / اسناد و اسناد



البته ماموریت «ممبره» چندان موفق نبود. نباید از یاد برد که ممبره،

بیشتر پیام رسان بود تا سفیر

«ممبره» سعی کرد مجموعه‌ای از نقشه‌های به دست آمده در سفرش

از جمله «نقشه حاجی احمد» را که در بازار عثمانی خریده بود،

منتشر کند، ولی به دلیل سانسور دولت ونیز،

آن کار منتشر نشد.

«گزارش سفارت میکلّه ممبره به ایران» به دست

یک بازرگان ناشناس ایتالیایی («ژان اوین» می‌گوید که او

همان «فرانچسکو رومانو» می‌باشد) نوشته شده است

نامه دوم

هوالمالک الملک المتعال

یا محمد یا علی

۱- اسباب عظمت و جهانداری و آثار ابهت و کامکاری خاقان خواقین نامدار [شجاعاً للایالة و الحکومة و السلطنة و الاحشمة و الابهة و الوقار أندریا دوزی و نتوخان] نورالله قلبه بنورالایمان

۲- و سلطان سلاطین کامکار اشرح الله صدره بسرور التهذیب الادیان لحظة فلحظة در توالی و تصاعد باد

۳- و کوکب اقبال جاودانی بعد از دریافت سعادت مسلمانی بیضی فضل ربانی ساعه فساعه در ترقی و تزاید

۴- بعد هذا اعلام آن که در تاریخ دو شهر ربیع الاول سنه ست و اربعین و تسعمائه توفیق آثار سلانه الامراء میکائیل بیک

۵- دام توفیقه بشرف عتبه بوسی آستان ملائک آشیان بندگان درگاه عرش ائشبا سدره پناه که قیله ارباب

۶- حاجات و کعبه اصحاب مناجاستت مفتخر و سرافراز گردید مکانیب دلنواز ایشان بمطالعه اشرف اعلی

۷- رسانید و کیفیت و حقیقت کماهی حالات آن جایی کما هو حقه خصوصاً اتفاق حسنه آن سلاطین نامدار در قلع

۸- و قمع اشرار که در نیولا اتفاق افتاد بیان نمود در خاطر عاطر دریا مقاطر چنین خطور کرد که فرصتی به از این

۹- واقع نمی‌شود که در حین اتفاق آن خواقین کامکار رایات نصرت آیات همایون ما نیز با عساکر منصوره متوجه

۱۰- آن اقالیم شده و جنود نامسعود رومیه شومیه را بضرر قهقهه تیغ آبدار و طنطنه توپ و تفنگ آتش بار دمار از

۱۱- روزگار نابکار برآورده ممالک مسخره ایشانرا در تحت تصرف بندگان آستان رفیع‌الشان درآوریم

۱۲- و جهاترا از خبت وجود ایشان پاک سازیم و آنچه کمال عواطف بیدریغ شاهانه و مراسم بینهایت پادشاهانه

۱۳- بوده باشد نسبت بدان و لاه عظام اعلی‌مقام بظهور رسانیم و من بعد طریق محبت و مودت مسلوک بوده

۱۴- ابواب مراسلات و مکاتبات مفتوح باشد تا مترددین بی‌تشویش و تعب تردد نموده و مانع و مزاحمی نداشته باشند که

۱۵- ناگاه بتواتر از افواه و السنه چنین استماع رفت که آن سلاطین نامدار در نیولا کس بر سالت بالکای رومیه شومیه

- ۱۶- فرستادند و عزیمت صلح را جازم شده و مدعیات سابق و مضمون کتابات لاحق که در نیولا مصحوب میکائیل بیک
- ۱۷- ارسال نموده بودند فسخ کرده بر سر قول خویش راسخ و جازم نمادند استماع این اقوال دلالت بر بی‌اعتباری
- ۱۸- ایشان می‌کرد و بدین واسطه آمدن میکائیل بیک مذکور بحضور تاغایت در اردوی همایون معوق بود که شاید
- ۱۹- خبر مذکور اصلی نداشته باشد باز چون بکرات و مرات تحقیق آن از ارباب اعتبار بظهور پیوست صدق آن
- ۲۰- بر خاطر عاطر همایون شاهی جلوه‌گر شد مومی الیه را مرخص ساخته بحضور فرستاده شد که تحقق اقوال مذکور نموده
- ۲۱- حقایق احوال و افعال اینجای را بسمع ایشان رساند و سبب توقف رایات نصرت آیات همایون را در نیولا
- ۲۲- بدانصوب معروض ایشان گرداند تا بر رای ایشان واضح شود که از اینجانب تقصیری نبوده و نخواهد بود
- ۲۳- و عنقریب انشاءالله وحده العزیز در هنگام فرصت اگر ایشان متفق باشند و اگر نباشند بیاری [ایمه معصومین] صلوات الله
- ۲۴- علیهم اجمعین رایات نصرت آیات بعظمت و شوکت و کامکاری متوجه آنصوب شده دمار از روزگار
- ۲۵- غدار ایشان برآورده خواهد شد اگر ایشان نیز مستخبر احوال بوده تهیه آن اسباب را معد و مهیا باشند اولی و انسب خواهد بود
- ۲۶- والسلام علی من اتبع الهدی

پی نوشت‌ها:

۱- Michele Membre : Relazione di persia

(۱۵۴۲), ed. Giorgio R. Cardona, Napoli Instituto

Universitario Orientale, ۱۹۶۹, ۲۵۵ P.

این چاپ به صورت زیر معرفی شد:

فاریا جنیدی: «سفرنامه میکلّه ممبره»، خبرنامه کانون ایران‌شناسی و

اسلام‌شناسی (کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)، پیش شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵،

صص ۹ و ۱۰.

۲- معرفی خوبی از این نسخه توسط ج. ام. راجرز در بولتن مدرسه مطالعات شرقی

و آفریقایی، سال ۱۹۹۵ ش، صص ۱۵۹-۱۶۰ آمده است.

۳- L. Fekete, Einfuhrung inde Persische Palaographie:

۱۰۱ Persische Dokumente, Budapest, ۱۹۹۷, De. ۶۶-۶۷

مهر پُشت نامه شاه تهماسب به دوک ونیز